

منطق پژوهش تطبیقی

غلامرضا غفاری*

(تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۸/۱۲، تاریخ تصویب: ۱۳۸۸/۱۲/۱۸)

چکیده

این مقاله در پی بیان منطق یکی از مهم‌ترین و پرکاربردترین روش‌های پژوهشی در عرصه علوم اجتماعی کلان است که با پرسش‌هایی بزرگ سروکار دارد و واحدهای مشاهده و تحلیل خود را واحدهای میانی و کلان اختیار می‌کند. در آغاز، با طرح موضوع درصدد شرح اهمیت و جایگاه این روش برآمده‌ایم و بر این ایده تأکید کرده‌ایم که علوم اجتماعی در پی بررسی تفاوت در بین کل‌ها و ترتیبات اجتماعی است. دشوار است به تحلیلی در علوم اجتماعی بیاوریم که تطبیقی نباشد. تحلیل تطبیقی به معنای توصیف و تبیین مشابهت‌ها و تفاوت‌های شرایط یا پیامدها در بین واحدهای اجتماعی بزرگ مقیاس مانند مناطق، ملت‌ها، جوامع و فرهنگ‌هاست. گذار از نظریه‌های عمومی به نظریه‌های ساختاری در حوزه جامعه‌شناسی انقلاب و تحولات اجتماعی توجه به روش و تحلیل تطبیقی را دو چندان ساخته است. گزینش واحدهای کلان و بزرگ در این روش، نکه معمولاً حجم محدودی دارند، مسئله حجم واحدها یا نمونه‌های بررسی را به نکته‌ای اساسی و مهم بدل کرده است. به حدی که گفته می‌شود مطالعه تطبیقی کمی با موارد زیاد (N بزرگ) و مطالعه تطبیقی کیفی با موارد محدود (N کوچک) سروکار دارند. این نوع مطالعات ممکن است در قالب طرح‌های پژوهشی شبیه‌ترین و در عین حال متفاوت‌ترین نظام با روش‌های توافق و اختلاف صورت گیرند. منطق پژوهش تطبیقی در درجه نخست بر این نکته تأکید دارد که اندیشه مکانیکی و ساده‌انگارانه به جهان اجتماعی با ماهیت واقعیت‌های این جهان سازگاری ندارد، زیرا الگوهای متفاوت توسعه و تحول مؤید الگوهای محتمل و تصادفی است تا الگوهای جبری و تعیین‌گرای تاریخی - اجتماعی. این منطق بر پیکربندی و درک روابط زنجیره‌ای و واکنشی در قالب رویکرد مسیر وابسته برای تحلیل‌های اجتماعی و تاریخی تأکید و این باور را دنبال می‌کند که آثار و پیامدهای بزرگ را همیشه نمی‌توان برحسب فرایندهای کوتاه‌مدت یا منحصر به فرد، متوازن و پیش‌بینی‌پذیر تبیین کرد، بلکه سیر تحول را باید زنجیره‌ای و احتمال‌گرایانه بررسی کرد و از نگاه تفریدی و انقطاعی پرهیز داشت.

واژگان کلیدی: روش تطبیقی، واحدهای کلان، پیکربندی، مسیر وابسته، الگوی احتمال‌گرایانه

طرح موضوع

پر پیداست که روش تطبیقی یکی از اصلی‌ترین روش‌ها در حوزه علوم اجتماعی، به ویژه در جامعه‌شناسی تطبیقی و تاریخی، است. این مقاله در ابتدا در پی پاسخگویی به چرایی استفاده از روش تطبیقی و سپس، در پی استدلال در زمینه منطق و شیوه‌های به-کارگیری روش تطبیقی در جامعه‌شناسی است. تفکر بدون مقایسه قابل تصور نیست و در غیاب مقایسه، هیچ اندیشه و پژوهش علمی نیز امکان‌پذیر نیست. روش تطبیقی، که مبتنی بر مقایسه برای فهم مشابهت‌ها و تفاوت‌هاست، یکی از قدیمی‌ترین روش‌ها در اندیشه اجتماعی و علوم اجتماعی است. ارسطو به مقایسه میان دولت‌شهرهای گوناگون یونان و هرودوت به مقایسه میان جهان یونانی و غیر یونانی پرداختند (مک‌کی و مارش، ۱۳۷۸: ۲۸۷). این روش مورد اقبال و توجه بنیادگذاران جامعه‌شناسی نیز قرار گرفته بود. امیل دورکم^۱ در قواعد روش جامعه‌شناسی، در مقام کلاسیک‌ترین متن روش‌شناختی جامعه‌شناسی، روش تطبیقی را نه شاخه‌ای از روش، بلکه برابر با خود جامعه‌شناسی معرفی کرده است. به عبارتی، همه جامعه‌شناسی تطبیقی است که در آن، حیات اجتماعی از طریق مقایسه و تطبیق واقعیت‌ها، حتی زمانی که آن فقط محدود به توصیف و ارزیابی واقعیت‌هاست، فهم می‌شود. این امر بدین معنی است

*. دانشیار گروه برنامه‌ریزی اجتماعی دانشگاه تهران، ghaffary@ut.ac.ir

^۱. Emil Durkheim

که کل علوم اجتماعی در پی بررسی تفاوت^۲ در بین موجودات انسانی و ترتیبات اجتماعی است و دشوار است که به تحلیلی در علوم اجتماعی بیندیشیم که تطبیقی نباشد. حتی در روش آزمایشی که با دو گروه کنترل و آزمایش مواجهیم و در پی بررسی تفاوت بین این دو گروه، آیا کاری جز تحلیل تطبیقی صورت می‌دهیم؟ به نظر اسملسر، حتی توصیف نیز متضمن مقایسه است. اگر فرد معینی را به صورت فردی بلندقامت، منصف، مستبد، عصبی یا سازگار توصیف می‌کنیم، نمی‌توانیم به سادگی چنین ویژگی‌هایی را بدون اشاره به افرادی که برخوردار از ویژگی‌هایی غیر از این صفات‌اند به کار بریم. بنابراین، زبان خصلت تطبیقی دارد و هر نوع توصیف و تبیینی تطبیقی است (اسملسر، ۲۰۰۳: ۶۴۴). مک‌کی^۳ و مارش^۴ به دو علت تحلیل تطبیقی را ضروری می‌دانند. اول، برای اجتناب از قوم‌مداری^۵ در تحلیل و دوم، برای ایجاد، آزمون و شکل‌دهی مجدد نظریه‌ها، مفاهیم و فرضیه‌ها (مک‌کی و مارش، ۱۳۷۸: ۲۸۲). به نظر هانترایس^۶، تنوع رویکردها در بین و درون رشته‌های گوناگون علمی ضرورت توجه به پژوهش تطبیقی را بیشتر ساخته است (هانترایس، ۲۰۰۹: ۳۶). مقایسه قدرت توصیف متن و آگاهی محقق را افزایش می‌دهد و او را از قوم‌مداری دور می‌سازد. این روش در دوره جدید نیز جایگاه محوری خود را در علوم اجتماعی با این ایده که تحلیل تطبیقی اساس و جوهره بسیاری از روش‌های پژوهش را تشکیل می‌دهد حفظ کرده است. در معنایی وسیع، همه روش‌های علمی اجتماعی به کار گرفته شده در رشته‌های گوناگون علوم اجتماعی تطبیقی‌اند. به نظر چارلز تیلی، پژوهش تاریخی - تطبیقی فرزند تلاقی تاریخ و جامعه‌شناسی است. ضرورت گذار از نظریه‌های عمومی به نظریه‌های ساختاری در حوزه جامعه‌شناسی انقلاب و تحولات اجتماعی توجه به روش و تحلیل تطبیقی را دو چندان ساخته است. به نظر گلدستون، نظریه‌های عمومی انقلاب توان درک تفاوت‌ها را نداشتند. بنابراین، پژوهشگران برای بررسی ریشه‌های انقلاب - ها توجه خود را از نظریه‌های عمومی خشونت سیاسی به مطالعات تاریخی و تطبیقی در خصوص ساختار انواع متفاوت دولت‌ها و روابط کشاورزی معطوف کرده‌اند (گلدستون، ۱۳۸۵: ۲۰). به هر حال، به‌رغم کاربردها و قوت‌های چنین دریافت‌هایی از روش تطبیقی، آنچنان‌که راگین نیز بدان اذعان می‌کند، تعاریف مطرح‌شده دارای محدودیت‌هایی‌اند. او بر مقایسه واحدهای کلان اجتماعی در روش تطبیقی تأکید می‌کند و از حیث نوع پرسش‌ها نیز گفته شده است که روش تاریخی - تطبیقی با پرسش‌های بزرگ^۷ سروکار دارد پرسش‌هایی که معطوف به تحولات فرایندهای کلان و با دامنه وسیع و گسترده و در معنای معین و خاص خود با روش مقایسه واحدهای کلان اجتماعی تعریف شده‌اند. رز^۸ (۱۹۹۱) در حوزه علوم سیاسی روش تطبیقی را شیوه‌ای تعریف می‌کند که به صورت نظام‌مند تلاش می‌کند با ارائه مدارک تجربی، واقعیت‌های سیاسی را با یکدیگر مقایسه کند (مک‌کی و مارش، به نقل از رز، ۱۳۷۸: ۲۸۱). در روش تطبیقی موردی، چند مورد^۹ که می‌توانند در قالب واحدهای^{۱۰} کلان، میانی و خرد قرار گیرند، با هم مقایسه می‌شوند. این موارد ممکن است به لحاظ گستره و متغیرهای مربوط به آنها هویت‌های متنوعی اختیار کنند. معمولاً با بزرگ‌شدن موارد، که تشکیل واحدهایی کلان مانند تمدن‌ها را می‌دهند، از حجم و تعداد آنها کاسته می‌شود، لیکن به تعداد متغیرهای مربوط و مستتر در این واحدها افزوده می‌شود. زیرا واحدهای بزرگ و کلان مستعد پوشش‌دادن متغیرهای متعدد و کثیرند و برعکس، با محدودشدن گستره واحدها، هرچند که بر تعداد آنها افزوده می‌شود، لیکن این موارد یا واحدها متغیرهای کمتری را تحت پوشش قرار می‌دهند. چنین رابطه‌ای در جدول ۱ نشان داده شده است.

². Variation

³. Mackie

⁴. Marsh

⁵. Ethnocentrism

⁶. Hantrais

⁷. Big questions

⁸. Rose

⁹. Case

¹⁰. Unites

جدول ۱. رابطه بین گستره و حجم موارد و متغیرها در روش تطبیقی

| | | | |
|-------------------------------|-------------|---------------------|----------------------|
| نوع موردها برحسب گستره واحدها | | گستره موارد | |
| کوچک / خرد | بزرگ / کلان | حجم موارد و متغیرها | |
| زیاد | کم | موردها | حجم موردها و متغیرها |
| کم | زیاد | متغیرها | |

نوشته‌های علوم اجتماعی نشان می‌دهند که مطالعات تطبیقی بیشتر در خصوص واحدهای کلان و بزرگی انجام شده‌اند که معمولاً حجم محدودی را شامل می‌شوند. به هر حال، تعداد واحدها یا موردهای تحت بررسی نکته‌ای اساسی در این روش است، به حدی که گفته می‌شود مطالعه تطبیقی کمی^{۱۱} با موارد زیاد (N بزرگ) و مطالعه تطبیقی کیفی^{۱۲} با موارد محدود (N کوچک) سروکار دارند. این نوع مطالعات می‌توانند در قالب طرح‌های پژوهشی شبیه‌ترین و در عین حال متفاوت‌ترین نظام با روش‌های توافق و اختلاف صورت گیرند. در جدول ۲ نمونه‌ای از این مطالعات آورده شده است.

جدول ۲. طرح‌ها و روش‌های پژوهش تطبیقی

| روش اختلاف | روش توافق | روش طرح |
|--|--|-----------------------------|
| مطالعه برینگتون مور از تفاوت‌های بین ریشه‌های دموکراسی و غیردموکراسی در جامعه مدرن (طرح تفاوت‌ها در موارد مشابه) | مطالعه برینگتون مور از ریشه‌های دموکراسی جامعه مدرن (طرح مشابهت‌ها در موارد مشابه) | طرح پژوهشی شبیه‌ترین نظام |
| مطالعه توکویل از دموکراسی در آمریکا از طریق مقایسه آن با فرانسه (طرح اختلاف‌ها در موارد متفاوت) | مطالعه اسکاچپول از انقلاب‌های فرانسه، روسیه و چین (طرح مشابهت‌ها در موارد متفاوت) | طرح پژوهشی متفاوت‌ترین نظام |

¹¹. Quantitative comparative

¹². Qualitative

به هر حال، مسئله متغیرهای زیاد و N کوچک مشکلی بغرنج و جدی در آزمون مدعاهای علی در تحقیقات تطبیقی-تاریخی است و راه‌حل‌های قابل وفاقی که دانشمندان این حوزه برای این مسئله عرضه کرده‌اند نیز عمدتاً مبتنی بر این اصل است که تعداد متغیرها (عوامل تبیینی) باید کمتر از تعداد مشاهدات باشد. با این حال، در رویکرد مورد محور، به ویژه تحقیقات تطبیقی-تاریخی، برخی از دانشمندان به جای حل این مشکل را از نظر عزل کرده‌اند. اسکاچپول راه حل این معضل را کاربرد روش‌های مقایسه‌ای میل^{۱۳} می‌داند (طالبان، ۱۳۸۴: ۱۲۸). هرچند که روش‌های میل با اقبال روش‌شناسان کمی و تجربه‌گرا روبه‌رو شده‌اند، ولی با استناد به مسایلی چون ساده‌انگارانه پنداشتن جهان اجتماعی، ناممکن بودن آزمایش در علوم اجتماعی، تعداد زیاد متغیرها، کوچک‌بودن حجم نمونه، نادیده گرفتن رویکرد احتمال‌گرایانه، ترکیب و تعامل بین متغیرها و علیت چندگانه به نقد کشیده شده‌اند. بلیلاک می‌گوید چنانچه در پیشنهاد میل به دقت نظر کنیم، به عبارتی چون همانندی همه متغیرهای مربوط به جزء یک متغیر و/یا وجود وضعیت مشترک برمی‌خوریم که نامناسب بودن واقعی این روش‌ها را آشکار می‌کنند. به گفته کوهن و نیگل، روش‌های پیشنهادی میل روش‌هایی-اند که نه به کشف متغیرهای مربوط می‌انجامند و نه علّیت را اثبات می‌کنند. نهایت این که استفاده از آنها ما را در بحث‌های علی سست و ناتوان یاری می‌دهد (بلیلاک، ۱۳۷۶: ۱۳). با این همه، امروزه مطالعه تطبیقی در قالب‌های مطالعه تطبیقی، کمی متغیر محور^{۱۴} و مطالعه تطبیقی کیفی مورد محور^{۱۵} دنبال می‌شوند^{۱۶}. در مطالعه کمی تطبیقی، محقق در قالب استراتژی قیاسی در پی آزمون نظریه مورد نظر

^{۱۳}. استوارت میل بر مبنای رویکرد تجربه‌گرایانه خود برای کشف علت چندین روش را مطرح می‌کند که مهم‌ترین آنها عبارتند از
۱- روش توافق

| مورد (۱) | مورد (۲) | مورد (۳) |
|----------|----------|----------|
| I | e | a |
| J | f | b |
| K | g | c |
| L | h | d |
| X | x | x |
| Y | Y | Y |

متغیر X به مثابه متغیری علی شناخته می‌شود که Y را تبیین می‌کند. متغیرهای $a, b, c, d, e, f, g, h, I, J, K, L$ متغیرهای غیر علی‌اند.
۲- روش اختلاف

| مورد مثبت | مورد منفی |
|-----------|-----------|
| a | a |
| b | b |
| c | c |
| d | d |
| X | نبود X |
| Y | نبود Y |

X متغیری علی است که متغیر Y را تبیین می‌کند. a, b, c, d متغیرهای علی نیستند.

۳- روش تغییرات متقارن: در این روش، میزان تغییرات متغیر a در تعدادی از موارد مطالعه می‌شود و سپس، همراه بودن میزان تغییرات متغیر X با تغییرات متغیر a بررسی و این نتیجه مطرح می‌شود که a ممکن است علت X باشد.

¹⁴. Variable oriented

¹⁵. Cases oriented

¹⁶. نمونه‌هایی از مطالعه تاریخی-تطبیقی که به روش تطبیقی در خصوص جامعه ایران، در اشکال طولی و بین جامعه‌ای، صورت گرفته‌اند عبارتند از:
- فوران، جان (۱۳۷۷) تاریخ تحولات اجتماعی ایران، مقاومت شکننده، ترجمه احمد تدین، تهران، موسسه خدمات فرهنگی رسا.
- فوران، جان (۱۳۷۵) نظریه‌های در خصوص انقلاب‌های اجتماعی جهان سوم، مقایسه‌ای بین ایران، نیکاراگوئه و السالوادور، فصلنامه راهبرد، شماره ۹، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک.

- اسکاچپول، تدا (۱۳۷۷) حکومت تحصیل‌دار و اسلام شیعه در انقلاب ایران.

- نویدی، داریوش (۱۳۸۶) تغییرات اجتماعی-اقتصادی در ایران صفوی، ترجمه هاشم آقاجری، تهران، نشر نی.

- کدی، نیکی آر (۱۳۶۹) ریشه‌های انقلاب اسلامی، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران، قلم.

- کدی، نیکی آر (۱۳۸۵) ایران دوران قاجار و برآمدن رضاخان، ترجمه مهدی حقیقت‌خواه، تهران، ققنوس.

- اتابکی، تورج (۱۳۸۵) تجدد آمرانه: جامعه و دولت در عصر رضاشاه، ترجمه مهدی حقیقت‌خواه، تهران، ققنوس.

- کمالی، مسعود (۱۳۸۱) جامعه مدنی، دولت و نوسازی در ایران معاصر، ترجمه کمال پولادی، تهران، باز.

است و حرکت از نظریه به سمت تحلیل داده‌های مرتبط و در خدمت نظریه در جریان است. در حالی که در تحلیل تاریخی - موردی، ابتدا واقعه‌ای مشاهده می‌شود، آن‌گاه واقعه مذکور در متن تاریخی معین قرار گرفته و فرایند تاریخی و سلسله حوادثی که به تولید آن واقعه منجر شده‌اند با هدایت تئوری جستجو می‌شوند (ساعی، ۱۳۸۶: ۲۰۷). در مطالعه تطبیقی کیفی موردی، نظریه‌پردازی و دسترسی به الگوها و مدل‌های نسبتاً عام مطرح است که نمونه‌ای از آن را می‌توان در کار جان فوران دید. براساس دستگاه نظری فوران که مبتنی بر رهیافت چند علتی است، برای این که یک انقلاب اجتماعی موفق شکل بگیرد باید پنج عامل علی با هم ترکیب شوند که عبارت‌اند از (۱) توسعه و ابسته، (۲) حکومت سرکوبگر، انحصارگرا و متکی به شخص، (۳) شکل‌گیری و تبلور فرهنگ‌های سیاسی مقاومت و بحران انقلابی، (۴) رکود اقتصادی و (۵) ارتباط باز با نظام جهانی یا امکان نفوذ خارجی (فوران، ۱۳۸۲: ۳۰۰). فوران این دستگاه نظری را با روش تطبیقی آزمون کرده است.^{۱۷} به نظر فوران، در صورت حضور عوامل یادشده باید انتظار تحقق انقلاب را داشت. او ریشه‌های انقلاب را در کشورهایی که تجربه انقلاب را به صورت موفق داشته‌اند در قالب جدول ۳ بیان کرده است.

جدول ۳. ریشه‌های انقلاب‌های اجتماعی موفق جهان سوم

| کشورها | ساختار اجتماعی | دولت | فرهنگ‌های سیاسی | ترکیب عوامل روابط بین‌المللی | پیامد |
|------------|---|-----------------------------|---|--|--------------------------------------|
| مکزیک | توسعه و ابسته براساس تشکیلات راه‌آهن، نفت و کشاورزی و تجاری | دیکتاتوری «نان و چماق» دیاز | ملی‌گرایی، اصلاحات ارضی، آزادی‌خواهی | غفلت ایالات متحده از ۱۹۱۰ تا ۱۹۱۲ و جنگ جهانی اول/ رکود شدید اقتصادی ۱۹۰۷ و ۱۹۰۸ | ائتلاف گسترده و جنگ داخلی پیچیده |
| کوبا | توسعه و ابسته به رهبری ایالات متحده، امریکا در زمینه نیشکر و جهانگردی | دیکتاتوری باتیستا | آمیزه‌ای از ملی‌گرایی، دموکراسی و عدالت اجتماعی کاسترو | عدم حمایت ایالات متحده در ۱۹۵۸ / آشفتگی اوضاع به دنبال شورش | موفقیت ائتلاف گسترده و پایه‌ای چریکی |
| نیکاراگوئه | رونق کشاورزی تجاری در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ | حکومت سرکوبگر سوموزا | ملی‌گرایی و عدالت اجتماعی / آزادی‌خواهی مذهبی سان‌دینیست‌ها | سیاست حقوق بشر کارتر / بحران پس از زمین‌لرزه ۱۹۷۲-۱۹۷۸ | موفقیت ائتلاف گسترده و پایه‌ای چریکی |
| ایران | توسعه و ابسته به رهبری | حکومت سرکوبگر | ملی‌گرایی و رادیکالیسم | سیاست حقوق بشر کارتر / | موفقیت ائتلاف |

- مشیری، فرخ (۱۳۸۴) *دولت و انقلاب اجتماعی در ایران*، ترجمه علی مرشدی‌زاد، تهران، قصیده‌سرا.
 - روزن، باری (۱۳۷۹) *انقلاب ایران: ایدئولوژی و نماد پردازی*، ترجمه سیاوش مریدی، تهران، مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
 - معدل، منصور (۱۳۸۲) *طبقه، سیاست و ایدئولوژی در انقلاب ایران*، ترجمه محمد سالار کسرائی، تهران، مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
 - طالبان، محمدرضا (۱۳۸۵) *تبیین جامعه‌شناختی بی‌ثباتی*، رساله دکتری، بخش جامعه‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس.
 - رجب‌زاده، احمد (۱۳۷۹) *بررسی تاریخی- تطبیقی توسعه در ایران و ژاپن*، رساله دکتری، بخش جامعه‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس.
 - ساعی، علی (۱۳۸۷) *دموکراتیزاسیون در ایران*، تهران آگاه.
 - محمدی، منوچهر (۱۳۸۲) *انقلاب اسلامی در مقایسه با انقلاب‌های فرانسه و روسیه*، تهران، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها.
^{۱۷} در مقاله، جامعه‌شناسی تطبیقی تاریخی انقلاب‌های اجتماعی کشورهای جهان سوم، چرا اندکی از انقلاب‌ها پیروز شده و بسیاری شکست خورده‌اند،

| | | | | | |
|--------------------------------------|--|----------------------------|--|--|-----|
| گسترده و پایه‌ای مردم غیر مسلح | پایان رونق قیمت نفت (۱۹۷۶-۱۹۷۸) | اسلامی و عرفی | شاه | دولت به اتکای درآمد نفت | |
| موفقیت ائتلاف گسترده و پایه‌ای چریکی | یورش ژاپنی‌ها/ غفلت غرب/ تورم شدید سال‌های پس از جنگ جهانی دوم | مقبولیت گسترده حزب کمونیست | دیکتاتوری چیانگ کای-شک/ حزب کومین تانگ | اتخاذ شیوه‌های کشاورزی تجاری و صنعتی شدن | چین |

منبع: فوران، ۱۳۸۲: ۲۹۹

منطق پژوهش تطبیقی

تحلیل تطبیقی به معنای توصیف و تبیین مشابهت‌ها و تفاوت‌های شرایط یا پیامدها در بین واحدهای اجتماعی بزرگ مقیاس^{۱۸} مانند مناطق، ملت‌ها، جوامع و فرهنگ‌هاست. این تعریف بازتاب سنت‌هایی چون تحلیل بین فرهنگی^{۱۹} در مردم‌شناسی، تحلیل بین جامعه‌ای^{۲۰} در جامعه‌شناسی، تحلیل بین کشوری^{۲۱} در علوم سیاسی، تحلیل تاریخی تطبیقی^{۲۲} در تاریخ و تحلیل روان‌شناسی تطبیقی^{۲۳} در روان‌شناسی است (اسملسر، ۲۰۰۳: ۶۴۵). در روش تطبیقی، هدف اصلی تبیین واقعیت‌های کلان است. مقایسه و تطبیق حائز نقش و جایگاه محوری در همه علوم تاریخی کلان، از جمله جامعه‌شناسی، است؛ علمی که موضوعات اصلی مطالعه آنها ساختارهایی بسیار پیچیده، متفاوت و نوظهورند که دارای ویژگی‌های مشترک و جنبه‌ها و ابعاد منحصر به فردند. در این علوم، برای درک هر ساختار باید آن را با مقولات و الگوهای آرمانی، سنخی رده‌ای و/ یا با ساختارهای دیگر مقایسه کرد (نوذری، ۱۳۸۷: ۲۳۸). راگین^{۲۴} معتقد است علم اجتماعی تطبیقی بهتر است که از طریق اهداف مشخصش تعریف شود. به نظر راگین، معمول است که پژوهش تطبیقی را پژوهشی تعریف کنند که از داده‌های قابل مقایسه حداقل دو جامعه بهره می‌برد. این تعریف بر این واقعیت تأکید دارد که داده‌های علم اجتماعی تطبیقی بین جامعه‌ای^{۲۵} اند. اگر چه چنین تعریفی از علم اجتماعی تطبیقی به لحاظ علمی ژذیرفتنی است، محدودیت‌های قابل اعتنایی نیز دارد، زیرا مطالعات تطبیقی مورد، محوری چون پژوهش *صور ابتدایی حیات دینی* دور کم و *دموکراسی در آمریکا* اثر توکویل در چارچوب این تعریف قرار نمی‌گیرند. گروهی هم تلاش کرده‌اند که علم اجتماعی تطبیقی را از طریق تأکید بر ویژگی چندسطحی‌اش^{۲۶} تعریف کنند. اسملسر از روش تطبیقی نظاممند تشریحی^{۲۷} یاد می‌کند که مورد محور است و سابقه مدیدی در علوم اجتماعی دارد. او مطالعه توکویل از آداب و رسوم سه کشور آمریکا، انگلیس و فرانسه را نمونه‌ای از این روش می‌داند. منطق پژوهش تطبیقی قویاً تحت تاثیر تعداد موارد بررسی است که می‌توانند کشورها یا دیگر واحدهای کلان اجتماعی باشند. روش تطبیقی عمدتاً مورد محور و فن نمونه‌های کوچکی^{۲۸} است که معمولاً وقتی به کار گرفته می‌شود که موارد نسبتاً محدود و کم‌اند

¹⁸. large-scale

¹⁹. Cross-cultural analysis

²⁰. Cross-societal analysis

²¹. Cross-national analysis

²². Comparative history analysis

¹. Comparative psychology analysis

²⁴. Rogin

²⁵. Cross _ socital

²⁶. Multilevel

²⁷. Systematic comparative illustration

²⁸. Small – N technique

و پژوهشگران دانش معتنا بهی درباره هر مورد دارند. به نظر راگین (۲۰۰۴)، برای درک منطق و استراتژی پژوهش تطبیقی توجه به موارد زیر ضرورت دارد:

۱- پژوهشگران تطبیقی متمرکز بر مسئله معناسازی از تعداد نسبتاً محدودی از مواردند که به سبب اهمیت نظری و ماهوی انتخاب شده‌اند.

۲- پاسخ‌های پژوهشگران تطبیقی به پرسش‌های مرتبط با موردهای تحت مطالعه ممکن است که طی دوره پژوهش تغییر کنند. رفته رفته که پژوهشگر راجع به پدیده مورد مطالعه‌اش بیشتر یاد می‌گیرد، مفاهیم راهنما و طرح‌های تحلیل خود را پالایش می‌کند.

۳- پژوهش‌های تطبیقی در مواردی متمرکز بر پدیده‌های نادر و کمیاب‌اند. این پدیده‌ها معمولاً پهن‌دامنه^{۲۹} و به لحاظ تاریخی محدود و از حیث فرهنگی مسلم‌اند. در این نوع پژوهش، تجربه عمیق مهم‌تر از تجربه وسیع است.

۴- در پژوهش تطبیقی، نظریه موجود به‌ندرت در آغاز صورتی تدوین شده دارد و فرضیه‌ها صراحت و روشنی لازم را ندارند. هدف نظری اولیه پژوهش تطبیقی آزمون نظریه نیست، بلکه مفاهیم مربوط به نظریه شکل می‌گیرند، اصلاح و پالایش می‌شوند و به بسط نظریه کمک می‌کنند.

۵- پژوهشگران تطبیقی غالباً به عمد مواردی را که به لحاظ نتیجه تحت مطالعه متفاوت با یکدیگر نیستند انتخاب می‌کنند، به عبارت دیگر، همه موارد مثبت‌اند. ساختن^{۳۰} و تحلیل موارد مثبت غالباً ضرورتی بنیادی برای ساختن و تحلیل موارد منفی است.

۶- پژوهشگران تطبیقی هیئت و پیکربندی‌های^{۳۱} ویژگی‌ها را بررسی می‌کنند تا جنبه‌های گوناگونی را تایید کنند که در هر مورد با یکدیگر همراه می‌شوند.

۷- پژوهشگران تطبیقی تلاش می‌کنند هر مورد را از طریق تحلیل درونی آن مورد معناسازی کنند و تحلیل بین موردی با تحلیل درونی هر مورد تقویت و تعمیق می‌یابد.

پژوهش تطبیقی بنا به ماهیت و منطق حاکم بر آن از این قابلیت و استعداد برخوردار است که می‌تواند اهداف متنوعی را در برنامه کاری خود قرار دهد؛ چنان‌که سیدامامی (۱۳۸۶) به نقل از تیم می (۱۹۹۷) به چهار نوع نگاه اشاره می‌کند که عبارت‌اند از ۱- نگاه خودشناسی بهتر و اقتباسی^{۳۲}، ۲- نگاه تفاوت‌یاب^{۳۳}، ۳- نگاه نظریه‌ساز^{۳۴} و ۴- نگاه پیشبینانه^{۳۵}.

با این همه، نکته قابل اعتنایی که به نظر می‌رسد نقشی اساسی در روش تطبیقی دارد، توجه به وجود الگوهای متفاوت توسعه و تحول مؤید الگوهای محتمل و علی تصادفی است تا الگوهای جبری و ضروری تاریخی. علل تبیین‌کننده و شرایط تعیین‌کننده را باید از یکدیگر تفکیک کرد. علل رویدادهایی‌اند که میل به تغییر ایجاد می‌کنند و پویا می‌کنند. شرایط تعیین‌کننده عبارتند از حالاتی از امور یا رویدادها که در شرایط معین نتیجه‌ای را محتمل‌تر از نتیجه دیگر می‌کنند (مکالا، ۱۳۸۷: ۱۱۲) در نتیجه، تدوین نظریه‌هایی عمومی درباره دگرگونی اجتماعی که موارد بسیار گسترده‌ای را در برگیرد بسیار دشوار است. مهم‌تر این‌که به نظر زیمل، تا زمانی که واقعیت در یک چارچوب زمانی معین جای نگرفته است، در خلاء تاریخی قرار خواهد داشت و نمی‌توان آن را تاریخی تلقی کرد. و در نتیجه، نمی‌توان از آن فهم تاریخی داشت. فهم ما از رویدادها زمانی کامل می‌شود که بتوانیم پیامدهای آن را شناسایی کنیم. اهمیت تاریخی دیرند^{۳۶} را می‌توان به رابطه میان امر پیشین و امر پسین فروکاست که موقع و موضع همبسته یک رویداد را با توجه به رویکرد دیگر

²⁹. Large scale

³⁰. constitution

³¹. configurations

³². Import- mirror view

³³. Difference view

³⁴. Theory development view

³⁵. Predication view

³⁶. Duration

شناسایی می‌کند (زیمل، ۱۳۸۶؛ ۱۸۱). با عنایت به پذیرش اصل وجود الگوهای محتمل و در عین حال نظام‌دار اسملسر در خصوص ماهیت روش‌شناختی تحلیل تطبیقی این نکته را مطرح کند که روش تطبیقی با دو رویکرد افراطی اثبات‌گرایی رادیکال^{۳۷} و نسبی‌گرایی رادیکال^{۳۸} سرسازگاری ندارد، زیرا اولی در شکل افراطی خود تحمل پذیرش تفاوت را ندارد و دومی نیز با اصل پایداری و درک الگوهای به نسبت منظم قرابت ندارد. روش‌شناسی دوره جدید با رد جبرگرایی و قطعیت و پذیرش رویکرد احتمال‌گرایانه سرسازگاری و توافق بیشتری دارد.^{۳۹} آنچه لازم به نظر می‌رسد عبارت است از تساهل بیشتر نسبت به کثرت باوری علی، الگوهای چندگانه دگرگونی اجتماعی، تحلیل مجموعه رویدادهای تاریخی تکرارناپذیر و تبیین تحولات اجتماعی، نه در چارچوب الگوهای ضروری تاریخی، بلکه در چارچوب الگوهای محتمل^{۴۰} (مکالا، ۱۳۸۷: ۱۱۱). در نگاه فیلسوفانی چون کارنپ نیز نمی‌توان فقط علت یک واقعه سخن گفت. به نظر او، نه یک چیز بلکه یک روند علت یک واقعه یا رویداد است، پس چیزی به معنای یگانه علت وجود ندارد (کارنپ، ۱۳۶۳: ۲۸۸). در نظر زیمل، رئالیسم تاریخی تاریخ خود رویدادها را بازتولید می‌کند و به نظر ایده‌آلیسم تاریخی، واقعیت همان شناخت واقعیت است. هر دو نظریه دارای نوعی تحریف‌اند، زیرا رئالیسم تاریخی محتواهای فرایند تاریخی را زیر پا می‌گذارد و ایده‌آلیسم تاریخی پیوستگی فرایند و واقعیت‌های تاریخی را نادیده می‌گیرد (زیمل، ۱۳۸۶: ۱۸۹). تحلیل تاریخی - تطبیقی^{۴۱} نوع مشخصی از پژوهش است که با ویژگی‌های نسبتاً معینی تعریف می‌شود. هرچند که این نوع تحقیق با یک نوع نظریه یا روش تعریف نمی‌شود، ولی همه تحقیقاتی که در این سنت صورت می‌گیرند معطوف به انجام نوعی تحلیل علی^{۴۲} اند و بر فرایندها در طی زمان تاکید و نیز از مقایسه نظام‌مند^{۴۳} و موقعیتی^{۴۴} استفاده می‌کنند (ماهانی و روئیس‌چیمر، ۲۰۰۳: ۱۰). به نظر اسکاچپول، سه راهبرد عمده برای مرتبط ساختن تاریخ و ایده‌های نظری (تئوریک) می‌توان شناخت. برخی از جامعه‌شناسان تاریخی یک الگوی نظری (تئوریک) واحد را درباره یک یا چند مورد مناسب با آن الگو به کار می‌بندند. برخی دیگر در پی کشف نظم‌هایی علی‌اند که فرایندها یا پیامدهای تاریخی خاص و معین را توضیح دهند و به مطالعه و بررسی فرضیات بدیلی می‌پردازند تا به آن هدف نایل شوند. با این همه، سایر جامعه‌شناسان تاریخی که نسبت به ارزش الگوهای عام و کلی یا فرضیات علی شک دارند، از مفاهیم استفاده می‌کنند تا آنچه را در بهترین حالت تفسیرهای تاریخی معنادار خوانده می‌شوند عرضه کنند و بسط دهند. هر یک از این راهبردها را می‌توان از طریق تحقیقات تاریخی تطبیقی و مقایسه‌ای در یک یا چند مورد تاریخی به کار بست. این سه راهبرد اصلی کاملاً از یکدیگر جدا نیستند. ترکیب‌های خلاق از آنها وجود دارد که همواره به کار بسته شده‌اند (اسکاچپول، ۱۳۸۸: ۴۹۹). در مطالعات تاریخی، ویژگی‌های منطقی حاکم بر گزاره‌های علی نشان از این دارد که:

- ۱- در تاریخ، علت‌ها به صورت عام برای معلول‌های خود لازم نیستند، بلکه فقط در شرایط معین برای آنها لازم‌اند.
- ۲- گاهی چندین علت متفاوت باعث نتیجه‌ای می‌شوند که در صورت نبود هر کدام از آنها، نتیجه به صورت نسبتاً متفاوتی رقم می‌خورد.
- ۳- گاهی چندین علت برای یک رویداد وجود دارد که هر کدام از آنها برای شکل‌گیری آن رویداد کافی بود.
- ۴- علت‌ها به تولید نتایج معین تمایل دارند، ولی این تمایل ممکن است بر اثر دیگر تمایل‌های موجود در آن وضعیت تعدیل شود.
- ۵- علت‌ها همیشه معلول‌های متعارف خود را تولید نمی‌کنند، بلکه احتمال وقوع آن معلول‌ها را، تا جایی که تمایل‌های دیگر مانع آنها نباشند، در آن شرایط افزایش می‌دهند یا تمایل وقوع معلول‌های خود را افزایش می‌دهند، یعنی علت‌ها "خدمت عینی" وقوع معلول‌های خود را افزایش می‌دهند.
- ۶- گاهی یک رویداد باعث محتمل‌تر شدن یک پیامد می‌شود، بدون این‌که در واقع علت آن باشد.

³⁷ . Radical positivism

³⁸ . Radical relativism

³⁹ . Comparative historical analysis

⁴⁰ . Causal analysis

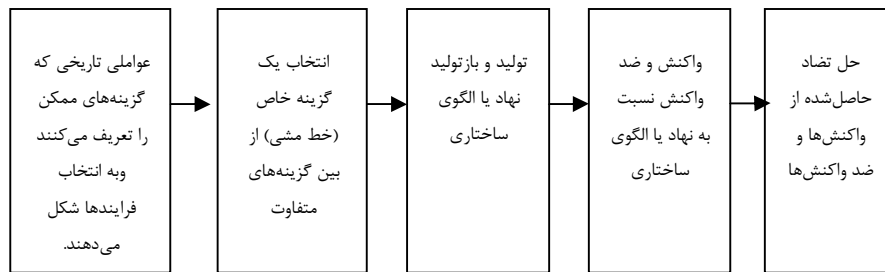
⁴¹ . Systematic comparison

⁴² . Contextualized

محققان برای واریس لزوم و کفایت علل و شرایط پذیرش این گزاره که در وضعیت معین، علل و شرایط برای معلول‌های خود لازم‌اند و احتمال ظهور معلول را افزایش می‌دهند، به بررسی تطبیقی موارد تطبیق‌پذیر می‌پردازند. در این حالت، اگر معلول مورد نظر بدون آن علت اتفاق افتاده باشد، به این نتیجه می‌رسند که آن علت برای آن معلول لازم نبوده است و از سوی دیگر، اگر آن علت بدون آن معلول اتفاق افتاده باشد، به طور کلی آن علت برای آن معلول کافی نیست. در واقع، نامعقول است تصور کنیم که در تاریخ، علت‌ها همیشه برای معلول‌های خود کافی‌اند، زیرا ممکن است معلول‌های آنها تحت تأثیر دیگر نیروهای دخیل قرار گرفته باشند. ولی اگر یک علت اغلب با رویداد متعاقب همراه باشد و اگر استثنای این قاعده را بتوان با توجه به حضور دیگر نیروهای دخیل تبیین کرد، می‌توان فرض کرد که این علت در واقع برای بسیار محتمل کردن رویداد متعاقب کافی است (مکالا، ۱۳۸۷: ۲۷۱). به هر حال، این پرسش نیز مطرح است که یک فرضیه قبل از آنکه کنار گذاشته شود چه تعداد استثنا را می‌تواند تحمل کند. در علوم اجتماعی و به خصوص در مطالعات تاریخی، باید بر این ایده تأکید شود که به جای کنار گذاشتن فرضیه درصد اصلاح طرح فرضیه‌های جایگزین آن برآییم. مطالعه تاریخی - تطبیقی نیازمند فهم تاریخی است. درک شرایط زمانی و هم‌زمانی و تقارن رویدادها به معنای فهمی تاریخی است که به درک زنجیره‌های تکوینی^{۴۳} و اتصالات بین رخدادها کمک می‌کند (ماهانی و روئیس چیمر، ۲۰۰۳: ۱۱). تحلیل تطبیقی - تاریخی نوع خاص و متمایزی از تحقیقات اجتماعی است که با سه ویژگی اساسی مشخص می‌شود: تحلیل علی، تأکید بر فرایندهای زمانی و استفاده از مقایسه سیستماتیک بافتمند^{۴۴} یا مبتنی بر زمینه (طالبان، به نقل از ماهونی، ۱۳۸۸: ۵۶). تحلیلگران تاریخی - تطبیقی (ماهونی، ۲۰۰۰؛ پیرسون، ۲۰۰۰؛ تلن، ۱۹۹۹؛ راگین، ۱۹۹۷؛ ۲۰۰۳ و دیگران) در نوشته‌های روش‌شناختی خود بر اهمیت تحقیقات کیفی کلان‌مورد محور تأکید دارند که به‌زعم آنها، تحلیل درون‌موردی ابزاری است که به‌ویژه برای جبران و ترمیم محدودیت‌ها و نواقص مرتبط با روش‌های مقایسه بین‌موردی طراحی شده است. عمومی‌ترین نوع تحلیل درون‌موردی عبارت است از «تطبیق الگو»^{۴۵}، رویه‌ای که در آن، تحلیلگر به بررسی و ارزیابی ارتباط‌های بین‌موردی و تئوریک در پرتو شواهد درون‌موردی می‌پردازد. رویه دیگر عبارت است از «ردیابی فزاینده»^{۴۶}، تکنیکی که در آن، تحلیلگر تلاش می‌کند مکانیسم‌هایی علی‌را مشخص کند که متغیر تبیینی را به یک پیامد پیوند می‌دهد و تکنیک درون‌موردی، یعنی «روایت علی»^{۴۷}، که تحلیل بین‌موردی را با تحلیل درون‌موردی از طریق مقایسه چندین مورد برحسب توالی حوادث یا وقایعی که منجر به پیامد یا نتیجه بررسی شده‌اند ترکیب کند (طالبان، به نقل از ماهونی، ۱۳۸۸: ۱۵۰). علاوه بر این، ماهونی بر رویکرد وابسته به مسیر^{۴۸} برای تحلیل‌های اجتماعی و سیاسی تأکید کرده است. به نظر او، آثار و پیامدهای بزرگ را نمی‌توان همیشه برحسب فرایندهای کوتاه‌مدت یا منحصر به فرد، متوازن و پیش‌بینی‌پذیر تبیین کرد، بلکه سیر تحول را باید به‌صورت زنجیره‌ای و احتمال‌گرایانه (ماهونی، ۲۰۰۳) بررسی کرد. و از نگاه تفریدی و انقطاعی پروا داشت، زیرا به نظر مکالا، در اغلب موارد زنجیره علی تصادفی است نه شبه‌قانون (مکالا، ۱۳۸۷: ۱۱۱). به نظر زیمل، هر فهمی ساختار تألیفی یک پارچه از دو عنصر دارد: یکی پدیده تجربی معلومی که در معرض شناخت قرار دارد و دیگری، دریافتی تفسیری که می‌تواند ایده خود فرد و/یا گرفته‌شده از منبع دیگری باشد. فهم نیازمند بینشی درونی از پویایی دایم حیات است. داده‌های تاریخی به استدلال یا استنتاج گفتاری وابسته‌ترند تا به مشاهده مستقیم و جو زمانی مشترکی وجود ندارد که هم مفسر و هم ابژه تفسیر را در برگیرد (زیمل، ۱۳۸۶: ۴۹-۱۳۲). به نظر ماهونی، رویکرد وابسته به مسیر اشاره به نوع خاصی از تبیین دارد که از طریق مجموعه‌ای از مراحل متوالی خود را نشان می‌دهد که آن را در قالب ساختار تحلیلی تبیین وابسته به مسیر در قالب نمودار زیر نشان می‌دهد.

43. Genetic sequences
 2. Contextualized
 3. Pattern matching
 46. Process tracing
 47. Causal narrative
 48. Path dependence

حاصل (نتیجه) → زنجیره و واکنش‌ها → مقاومت یا فشار ساختاری → لحظه بحرانی (بزنگاه) → شرایط اولیه



ساختار تحلیلی تبیین وابسته به مسیر

این شیوه تحلیل نزدیک به شیوه تبیین واکنش علی است که در قالب آن، هر فرایند مورد توصیف و تحلیل موجب نوعی واکنش می‌شود، زیرا فرایندهای خرد و کلان با یکدیگر روابط فرارویداده^{۴۹} دارند با فهم این روابط می‌توان به تبیین دگرگونی‌های اجتماعی پرداخت. این نوع نگاه به تحلیل پیکربندی^{۵۰} مورد نظر آیزنشتات نزدیک است. تحلیل پیکربندی تلاش برای جداکردن و توصیف ویژگی‌های ذاتی و اساسی کنش‌های الگوداری است که تصور می‌شود به صورت طبیعی رخ می‌دهند. تحلیل در حالت ایده‌آل در سه مرحله صورت می‌گیرد: اول، تفکیک یک الگوی معین کنش از دیگر الگوهای مشابه اما تازه. این مرحله فرایند طبقه‌بندی کردن است. دوم، بررسی و آزمون درونی الگو با هدف بسط تعمیم‌ها درباره مشخصات ذاتی و اساسی آن. این مرحله نظریه‌ای درباره شکل و ماهیت الگو پدید می‌آورد. سوم، کاربرد تحلیلی این الگو برای پیش‌بینی و تبیین هرگونه نمونه تجربی که بتوان به‌نحوی مشابه آن را طبقه‌بندی کرد. این مرحله تفسیر تجربی است. در همه این سه مرحله، پیکربندی‌ها تکیه‌گاه تحلیل بوده و ابژه‌های طبقه‌بندی سوزده‌های نظریه و منابع تفاسیر تجربی‌اند (اسکاچپول، ۱۳۸۸: ۱۳۶-۱۳۵). در نظر اسکاچپول، روش تطبیقی - تاریخی مورد محور در بازنمایی نظریه^{۵۱}، نمایان‌سازی و آشکارکردن تقابل زمینه‌ها^{۵۲} و تحلیل علی کلان^{۵۳} کاربرد دارد. به نظر راگین (۲۰۰۰ و ۲۰۰۴) انتخاب موردها در پژوهش متغیرمحور و مورد محور فرایند متفاوتی دارد. در پژوهش متغیرمحور، در نقطه شروع واحدهای تحلیل متجانس‌اند و جمعیت موردها تعریف می‌شود و به لحاظ تجربی مورد تجربه قرار می‌گیرند. در پژوهش متغیرمحور، در آغاز پژوهش موردها تعیین نمی‌شوند، بلکه طی دوره تحقیق و به‌واسطه دیالوگ نظام‌مند ایده‌ها و شواهد مشخص می‌شوند. "هدف اصلی روش - های کمی تطبیقی یا تحلیلی بین‌کشوری، آزمون فرضیات منبعث از تئوری‌های کلان اجتماعی و دستیابی به گزاره‌های هرچه عام تر در خصوص واحدهای کلان اجتماعی است" (طالبان، ۱۳۸۸: ۲۵). در مطالعات تاریخی - تطبیقی کیفی، معمولاً از نمونه‌های در دسترس^{۵۴} یا نمونه‌های هدفمند^{۵۵} استفاده می‌شود. هنگام کار با نمونه‌های در دسترس، آنچه ملاک گزینش یک یا چند مورد قرار می‌گیرد، آشنایی با آن موارد یا دردسترس بودن آنهاست. نمونه‌گیری هدفمند زمانی صورت می‌گیرد که نمونه‌ها به سبب ویژگی‌های نظری مهمی که دارند برگزیده می‌شوند (امامی، ۱۳۸۶: ۴۱۱). اسملسر (۱۹۷۶: ۱۷۴) برای انتخاب واحدهای تحلیل پنج ملاک را مطرح می‌کند:

۱. واحدهای تحلیل باید متناسب با نوع مسئله نظری مطرح‌شده پژوهشگر باشند.

۲. واحدهای تحلیل باید مرتبط با پدیده مورد مطالعه باشند.

⁴⁹. Supervene

⁵⁰. Configurational analysis

⁵¹. Demonstration of theory

⁵². Contrast of contexts

⁵³. Macro- causal analysis

⁵⁴. Available samples

⁵⁵. Purposive samples

۳. واحدهای تحلیل باید به لحاظ غربی در ارتباط با معیار طبقه‌بندی‌شان ثابت و پایدار باشند.
۴. بیان میزان دسترسی به داده‌های مربوط به هر واحد تحقیق
۵. تصمیم به انتخاب و طبقه‌بندی واحدهای تحلیل باید مبتنی بر رویه‌های استاندارد شده و قابل قبول باشد.

جدول ۴. مقایسه پژوهش‌های متغیر محور و مورد محور

| مورد محور | متغیر محور | موارد |
|--|--|-------------------|
| با ذکر نام (واحدهای پیچیده) | بدون ذکر نام (ناشناخته) (تبدیل شده به متغیرها) | موردها |
| ساخته شده طی تحقیق | از قبل تعیین و تعریف عملی- شده | مفاهیم |
| معطوف به فرایند تحلیل نظام‌مند | فرض می‌شود که موردها مستقل از یکدیگرند | استقلال موردها |
| محدود بودن تعداد موردها | افزایش موردها تا حد امکان | تعداد موردها |
| توصیف وسیع و فربه (شمارش کامل متغیرها از موردهای شناخته شده) | کاهش تعداد متغیرها به منظور تحدید طرح پژوهشی (مشکل درجه آزادی) | تعداد متغیرها |
| انتخاب موردهای پارادایمیک | انتخاب تصادفی یا بر مبنای متغیر وابسته | انتخاب مورد |
| تنوع در فهم به واسطه شناخت تفاوت‌ها و/ یا کشف تنوع | تنوع در خصیصه‌ها و جستجوی تعمیم در حوزه‌ها و/ یا نظام‌های فرعی تحت مطالعه | تنوع |
| توجه به فرایندها و نتایج زمانی و لحظه‌های پر حادثه و مهم | توجه دوره‌ای | زمان |

منبع: پورتا، ۲۰۰۸:۲۰۴

شیوه‌ها و استراتژی تحلیل تطبیقی و مسئله معادل‌سازی

از تحلیل تطبیقی به دو شیوه استفاده می‌شود که عبارت‌ند از تطبیق درونی^{۵۶} و تطبیق بیرونی^{۵۷}. در شیوه تطبیق درونی، تغییرات^{۵۸} یک واقعیت معین مانند نهاد ازدواج در طی زمان و در قالب فرهنگ و فضای متفاوت شناسایی می‌شود که این تغییرات نشان‌دهنده و برملاکننده الگوهای تفاوت و تشابه برای نهاد ازدواج در طی زمان و در بین فرهنگ و فضاهای متفاوت خواهد بود. در شیوه تطبیق بیرونی، تغییرات دو یا چند واقعیت متفاوت در طی یک یا چندین زمان، در یک و/ یا چند جامعه بررسی و شناسایی

⁵⁶. Internas comparison

⁵⁷. External comparison

⁵⁸. Variatvous

می‌شوند. این تغییرات نشان‌دهنده الگوهای تفاوت و تشابه در بین واقعیت‌های مورد مطالعه خواهند بود. واکاوی و تطبیق الگوهای واگرایی و همگرایی بین دو نهاد ازدواج با واقعیت همخانگی^{۵۹}، در معنای زندگی مشترک بدون ازدواج، در زمان، فضا و فرهنگ‌های متفاوت می‌تواند مثالی از شیوه تطبیق بیرونی باشد. علاوه بر این، مطالعات تطبیقی از دو سنت کمی و کیفی نیز پیروی می‌کنند که به لحاظ استراتژی مبتنی بر دو استراتژی قیاسی و استقرایی‌اند. در سنت اول، روش تطبیقی کمی مبتنی بر استراتژی قیاسی دنبال می‌شود که به موجب آن فرضیه‌هایی از یک نظریه عمومی استنتاج شده و با استفاده از داده‌های کمی و آماری از چندین جامعه مورد آزمون قرار می‌گیرند و در نهایت، بازخورد الگوهای هم‌گرایی و واگرایی شناخته‌شده را می‌توان در قالب یک نظریه با مدل جدیدی مطرح کرد. مثلاً مقایسه روندهای جمعیتی در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه در قالب نظریه گذار جمعیتی که مبتنی بر تحلیل آمارهای رسمی جمعیتی در این کشورهاست نمونه‌ای از این تحقیق است.

در رویکرد دوم، روش تطبیقی کیفی دنبال می‌شود که در آن، جوامع، فرهنگ‌ها و مجموعه‌های گوناگونی در حکم موردهای^{۶۰} مطالعه، به منظور درک و شناخت الگوهای معین حاکم بر حیات اجتماعی بررسی می‌شوند و منظور از مورد، مجموعه یا کلیتی با مرزهای معین است که می‌تواند ساده یا پیچیده باشد. به نظر فلیک، در مطالعه تطبیقی، محقق مورد را در کلیت و با همه، پیچیدگی‌های مشاهده نمی‌کند، بلکه موردهای متعددی را از جنبه خاصی مدنظر قرار می‌دهد (فلیک، ۱۳۸۷: ۱۵۷). مثال بارز این نوع روش را می‌توان در مطالعه جامعه‌شناختی ماکس وبر از ترتیبات اجتماعی حاکم بر مغرب زمین دید که حاصل آن به بیان وجود الگوهای متفاوت تحول اجتماعی در این جوامع انجامید. هرچند که این دو سنت تحلیلی از حیث واحد تحلیل با یکدیگر تفاوتی ندارند، مطالعات تطبیقی قیاسی تمایل به بررسی الگوهای هم‌گرا در بین جوامع برای حمایت و تأیید اعتبار نظریه‌ای عمومی دارد که برای فهم و تبیین فرایندهای اجتماعی تحت مطالعه مورد استفاده قرار گرفته است و مطالعات تطبیقی استقرایی گرایش به تمرکز بر الگوهای تغییر برای حمایت و تأیید این مدعا دارند که حیات اجتماعی به لحاظ تاریخی و فرهنگی معین و مقید است. البته از این نکته نیز نباید غفلت کرد که مطالعات تطبیقی کیفی می‌توانند منتهی به تدوین گزاره‌های عام حاصل از مطالعه استقرایی شوند که نمونه آن را در کار دورکم در خصوص قواعد حاکم بر صور اولیه حیات دینی می‌بینیم که حاصل تحلیل ثانویه مطالعات کیفی مردم‌شناختی از فرهنگ‌ها و اجتماعات پیشاصنعتی است. به هر حال، فرایند تطبیق و مقایسه در توسعه تعمیم‌های استقرایی نقش حیاتی داشته و در نظریه بنیانی^{۶۱} همچنان نقش محوری دارد. جدول ۵ روش‌شناسی دورکم و وبر را با تأکید بر به‌کارگیری روش تطبیقی در قالب دو سنت مذکور نشان می‌دهد.

⁵⁹. Cohabitation

⁶⁰. Cases

⁶¹. Grounded theory

جدول ۵. مقایسه روش‌شناسی امیل دورکم و ماکس وبر

| موارد | دورکم | وبر |
|----------------------|---|--|
| هدف پژوهش | تعمیم: در جستجوی علت‌های فرا تاریخی و پایدار (متفاوت با اتفاقات خاص تاریخی) | پیچیدگی: جستجوی تعمیم‌های محدود راجع به ناهمگرایی تاریخی و دانش انضمامی از فرایندهای خاص |
| اتکا به شیوه‌های میل | تغییر متقارن به مثابه منطق تحلیل | روش‌های توافق و تمایز |
| ابزار تحلیل | همبستگی، رگرسیون | روایت |
| تبیین در قالب | تبیین در قالب قضیه تجربی درباره الگوهای روابط در بین متغیرهای انتزاعی، توجه به علت‌های بیرونی | تبیین در قالب فهم کلی (ترکیبی) از تنوع تاریخی، توجه به دلایل درونی |
| ساختن | نوع‌های اجتماعی (انواع جامعه) که مفهوم ایده‌آلی بشریت واسط بین این انواع متنوع و چندگانه است | انواع آرمانی (مدل‌های فرضی) که به تبیین ناهمگرایی تاریخی کمک می‌کنند. |

منبع: پورتا، ۲۰۰۸: ۲۰۴

از نکات اساسی در پژوهش تطبیقی مسئله معادل‌سازی تاریخی و فضایی است، زیرا پژوهشگر هنگام مقایسه جوامع گوناگون یا حتی به هنگام مقایسه یک دوره تاریخی در یک سرزمین با دوره‌ای دیگر در همان سرزمین با مسئله هم‌ارزی یا معادل‌سازی^{۶۲} روبه‌رو می‌شود. آیا پدیده‌های به ظاهر مشابه در دو جامعه گوناگون یا در دو دوره متفاوت تاریخی واقعاً مشابه‌اند و معنایی یکسان دارند؟ آیا مقیاسی که برای اندازه‌گیری متغیری در یک فرهنگ به کار رفته است، همان متغیر را در فرهنگ دیگر می‌سنجد؟ (امامی، ۱۳۸۶: ۴۱۵). برای حل نسبی این مسئله از شیوه‌های معادل‌سازی گوناگونی یاد شده است که از آنها به معادل‌سازی واژگانی^{۶۳}، معادل‌سازی متنی^{۶۴}، معادل‌سازی مفهومی^{۶۵} و معادل‌سازی سنجشی^{۶۶} یاد شده است. معادل‌سازی واژگانی دلالت بر ترجمه درست لغات یا عبارات بین دو زبان یا دو دوره متفاوت تاریخی دارد. گاه معادل یک واژه در زبان دیگر یافت نمی‌شود. از سوی دیگر، معانی واژه‌ها در طول زمان دستخوش تحول می‌شوند. اشتباه در برداشت از واژگان قدیمی غالباً منجر به نتایج نادرست

⁶² . Equivalence

⁶³ . Lexicon equivalence

⁶⁴ . Contextual equivalence

⁶⁵ . Conceptual equivalence

⁶⁶ . Measurement equivalence

می‌شود. آجودانی (۱۳۸۲) به وسیله اسناد قدیمی مشخص می‌کند که در جریان انقلاب مشروطه، معنای واژگان جدیدی را که روشنفکران برای معادل‌سازی برخی واژه‌های غربی به کار می‌بردند، اغلب به سیاق خود می‌فهمیدند و تعبیر می‌کردند. مثلاً واژه ملت که مشروطه‌خواهان برای واژه فرانسوی یا انگلیسی (nation) متداول کرده بودند، در گفتار و نوشتار علما به معنای دیانت اسلام به کار می‌رفت. مورخی که به اسناد به‌جامانده از علمای شیعه در آن دوران رجوع می‌کند، باید نسبت به معنای اینگونه واژه‌ها هوشیار باشد (امامی، ۱۳۸۶: ۴۱۵). معادل‌سازی متنی به معنای کاربرد درست مفاهیم در متن‌های اجتماعی، فرهنگی و تاریخی متفاوت است. معادل‌سازی مفهومی به معنای توجه به فضای مفهومی مفاهیم به کار گرفته‌شده در واحدهای اجتماعی و دوره‌های تاریخی متفاوت است. پژوهشگری که قصد دارد مفاهیمی بسازد یا در تبیین خود به‌کارگیرد که تجربه‌های زندگی را در فرهنگ‌ها یا دوره‌های متفاوت تاریخی بازتاب می‌دهند، باید همسانی نسبی این مفاهیم را تا حد ممکن امکان‌پذیر کند. در غیر این صورت، مفاهیمی را که در فرهنگ و دوره‌های زمانی معنادارند، به اشتباه به فرهنگ‌ها و زمان‌های دیگر تعمیم داده است. مثلاً وقت‌شناسی در فرهنگ صنعتی با وقت‌شناسی در فرهنگ کشاورزی به‌کل متفاوت است (سیدامامی، ۱۳۸۶: ۴۱۶). معادل‌سنجی به معنای سنجش سازه‌ها و متغیرها به‌صورت یکسان در متن‌های اجتماعی و فرهنگی گوناگون است. با این سنجش زمانی که در یک مقیاس طولی مطرح و به بازسازی رویداد تاریخی از حیث فاصله زمانی مورد نظر منجر می‌شود، کار مشکل‌تر می‌شود. در این صورت، بر مبنای مجموعه‌ای از مفروضات و پذیرش پاره‌ای از احتیاط‌ها، کار تفسیر و تحلیل پیگیری می‌شود.

نتیجه

تحلیل تطبیقی در پژوهش اجتماعی نقش و جایگاهی محوری دارد. این روش از قدیمی‌ترین روش‌ها در علوم اجتماعی است. که درصدد فهم مشابهت‌ها و تفاوت‌ها از طریق تطبیق و مقایسه است. هدف شناسایی تفاوت‌ها در بین سیستم‌ها و رخداد‌های اجتماعی و بررسی تاثیر این تفاوت‌ها بر پاره‌ای از پدیده‌های اجتماعی مشاهده‌شده در درون این سیستم‌هاست. طرفداران این روش بر این باورند که همه روش‌ها تطبیقی‌اند. اسملسر از مطالعه تطبیقی نظام‌مند تشریحی یاد می‌کند و راگین پژوهش تطبیقی را مبتنی بر مقایسه واحدهای کلان اجتماعی، در قالب بررسی‌های موردمحور و متغیرمحور، تعریف می‌کند. هدف اصلی مطالعات متغیرمحور نیل به روابط تعمیم‌یافته بین متغیرهاست، در حالی که مطالعه موردمحور در پی بررسی و فهم واحدهای پیچیده است. دو رویکرد نسبت‌گرایی افراطی و جبرگرایی رادیکال با پژوهش تطبیقی سر سازگاری ندارند. پاره‌ای از صاحب‌نظران معتقدند که مقایسه‌های موردمحور در قیاس با بررسی‌های متغیرمحور منطق پژوهشی متفاوتی را دنبال می‌کنند و گروهی نیز این تفاوت را نپذیرفته و قائل به وجود منطق پژوهشی یکسان بین این دو نوع بررسی‌اند.

پژوهشگرانی که منطق روش تطبیقی را همسان با دیگر روش می‌دانند تلاش می‌کنند، به تبیین از طریق کنترل نظام‌مند پارامترها و متغیرهای مورد مطالعه بپردازد و از منطق روش‌های آماری کمک می‌گیرند لیکن آنها مواجه با معمای متغیرهای زیاد و نمونه کم‌اند. فقدان تعداد نمونه کافی به‌کارگیری بیشتر آزمون‌هایی آماری چون همبستگی‌های جزئی را با مشکل مواجه می‌کند. مطالعات تطبیقی موردی نیز با مسئله، استنباط‌های فراوان براساس مشاهدات ناکافی یا استنباط‌هایی فراتر از دلالت‌های مشاهده‌شده یا مشکل N کوچک شناخته می‌شوند.

این باور که منطق تطبیقی واحدی برای همه پژوهش علمی اجتماعی تجربی وجود دارد بازتاب این ایده است که کل پژوهش تجربی اجتماعی مواجه با مسائل یکسان و همانند است، چیزی که طرفداران استدلال علی در پژوهش کمی بدان باور دارند. در طرح پژوهش متغیرمحور، تعداد پایین و کم نمونه‌ها وقتی می‌تواند به کار گرفته شود که متغیرهای تبیینی هم کمترین تعداد را داشته باشند، هرچند مسئله درجه آزادی طرح پژوهش را از حالت جبرگرایانه خارجی می‌کند.

محدودیت‌های روش میل در مواجه با علل چندگانه و تعامل بین متغیرها و پیچیدگی جهان اجتماعی، خطای اندازه‌گیری، توجه به تحلیل‌های احتمال‌گرایانه و تحلیل مسیر وابسته در مقابل علت ثابت بر این ایده تاکید دارد که مجموعه و سلسله‌ای از علت‌ها در کنار یکدیگر باعث ایجاد رویداد شده‌اند. پس محقق باید به دنبال درک سلسله زنجیره عملی باشد.

بنا به ادعای راگین که منطق پژوهش تطبیقی را می‌توان از طریق مقایسه با پژوهش‌های مرسوم در علوم اجتماعی فهم کرد، این پژوهش در ورای پژوهش‌های کمی و کیفی قرار می‌گیرد، از رویکردهای گوناگون بهره می‌برد، دارای ماهیت توصیفی، تبیینی و تحلیلی است و در جستجوی مشابهت و افتراق‌ها یا جهت‌گیری روش‌شناختی قیاسی و استقرایی است که در عمل خود را با پژوهش‌های متغیرمحور و موردمحور نشان می‌دهد. روش تطبیقی به همان میزان که نیازمند دانش تکنیکی به لحاظ روش‌شناختی است، نیازمند دانش نظری است. به عبارت دیگر، این پژوهش هم متضمن فهم و تبیین نظری و هم درک مشاهده‌ای است. محقق باید موردهای بررسی خود را به درستی بشناسد. دو استراتژی طرح‌های شبیه‌ترین و متفاوت‌ترین نظام‌ها دو استراتژی پژوهش عملی در مطالعات تطبیقی‌اند. هر چند که تعریف طرح‌های شبیه‌ترین و متفاوت‌ترین نظام‌ها به تفاوت در واحدهای تحلیل اشاره دارد، متضمن نوع شناختی است که محقق دنبال می‌کند. در اغلب موارد، طرح متفاوت‌ترین نظام‌ها برای دستیابی به نتایج تعمیم‌پذیر و در جستجوی همسبستگی‌های پایدار به لحاظ تاریخی است و از طرح شبیه‌ترین نظام‌ها غالباً برای تایید فرضیه‌ای استفاده می‌شود که در یک کشور معین طرح شده است.

منابع

- اسکاچیول، تدا (۱۳۸۸) *بینش و روش در جامعه‌شناسی تاریخی*، ترجمه هاشم آقاجری، تهران: نشر نی.
- بیلیاک، ام هربرت (۱۳۷۶) *استنباط‌های علی در پژوهش غیر آزمایشی*، ترجمه محمدرضا شادرو، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- زیمل، گئورگ (۱۳۸۶) *مقالاتی درباره تفسیر در علم اجتماعی*، ترجمه شهناز مسمی‌پرست، تهران: سهامی انتشار.
- ساعی، علی (۱۳۸۶) *روش تحقیق در علوم اجتماعی (با رهیافت عقلانیت انتقادی)*، تهران: سمت.
- سیدامامی، کاووس (۱۳۸۶) *پژوهش در علوم سیاسی*، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی دانشگاه امام صادق (ع).
- طالبان، محمدرضا (۱۳۸۴) "معضل آزمون استدلال علی در تحقیقات تاریخی تطبیقی"، در *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی*، شماره ۵۱-۵۰، تهران، دانشگاه تربیت معلم.
- طالبان، محمدرضا (۱۳۸۸) *روش‌شناسی مطالعات انقلاب با تأکید بر انقلاب اسلامی ایران*، تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
- فلیک، اووه (۱۳۸۷) *درآمدی بر تحقیق کیفی*، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی.
- فوران، جان (۱۳۸۲) *نظریه‌پردازی انقلاب‌ها*، ترجمه فرهنگ ارشاد، تهران: نشر نی.
- کارناب، ردلف (۱۳۶۳) *مقدمه‌ای بر فلسفه علم*، ترجمه یوسف عقیقی، تهران: نیلوفر.
- گلدستون، جک (۱۳۸۵) *مطالعات نظری، تطبیقی و تاریخی در باب انقلاب‌ها*، ترجمه محمد تقی دلفروز، تهران: کویر.
- مکالا، سی‌بی‌ین (۱۳۸۷) *بنیادهای علم تاریخ، چپستی و اعتبار شناخت تاریخی*، ترجمه احمد گل محمدی، تهران: نشر نی.
- نوذری، حسینعلی (۱۳۸۷) *فلسفه تاریخ روش‌شناسی و تاریخ نگاری*، تهران: طرح نو.

Hantrais, Linda (2009) *International Comparative Research*, New York: Palgrave.

Mahoney, James (2000) "Path Dependence in Historical Sociology", *Theory and Society*, 29: N(29).

Mahoney, James (2003) "Strategies of Causal Assessment" in *Comparative Historical Analysis in the Social Sciences* edited by James Mahoney and Dietrich Rueschemeyer, Cambridge: Cambridge University Press.

Mahoney, James and Dietrich, Rueschemeyer (2003) "Comparative Historical Analysis: Achievements and Agendas" in *Comparative Historical Analysis in the Social Sciences* edited by James Mahoney and Dietrich Rueschemeyer, Cambridge: Cambridge University Press.

- Della Porta, Donatella (2008) "Comparative Analysis: Case-oriented versus variable-oriented research" in *Approaches and Methodologies in the Social Sciences A Pluralist Perspectives* edited by, Donatella Della Porta and Michael, Keatng, Cambridge: Cambridge University Press.
- Przeworski, Adam and Henry, Teune (1970) *The Logic of Comparative Social Inquiry*, London: Wiley-Interscience.
- Ragin, Charles C (2000) *Fuzzy-Set Social Science*, Chicago: University of Chicago Press.
- Ragin, Charles C (1987) *The Comparative Method: Moving Beyond Qualitative and Quantitative Strategies*, Berkeley: University of California Press.
- Ragin, Charles C (2004) *Comparative Methodology The Logic of Case Oriented Research*, Department of Sociology, University of Arizona USA.
- Smelser, Neil.J (1976) *Comparative Methods in the Social Sciences*, New Jersey, Prentice-Hall.
- Smelser, Neil. J. (2003) "On Comparative Analysis , Interdisciplinarity and Internationalization in Sociology", *International Sociology*, 18(4): 643-657